

سکانس پایانی پدرسالار

نگاهی به زندگی و فعالیت های هنری
محمدعلی کشاورز که در ۹۰ سالگی درگذشت

محمد عنبرسوز

مردی که در روزگار ورود تئاتر، سینما و تلویزیون به ایران، با همکاری چهار نفر از رفقای گرمابه و گلستانش، بار پا گرفتن هنرهای نمایشی در ایران را به دوش کشیده بود، به زودی روی دوش علاقه‌مندان پرشمار همین هنرها به سوی آرامگاه ابدی خود خواهد رفت. محمدعلی کشاورز، دیروز در سن نود سالگی، دار فانی را وداع گفت و پرونده یک عمر فعالیت هنری درخشانش بسته شد.

فوت استاد محمدعلی کشاورز چهارمین سوگ بزرگ سینمای ایران برای بازیگران باسابقه و اثرگذارش محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر یکی پس از دیگری هنرهای نمایشی را تنها گذاشته‌اند. از پنج‌ضلعی استوار بازیگری ایران حالا فقط علی نصیریان، که صغیر و کبیر سینما برایش آرزوی سلامتی دارند، باقی مانده و از امروز کمال‌الملک تنها‌تر از همیشه باید مسیرش را ادامه دهد. سلسله سوگ هنرپیشه‌های موسوم به پنج‌تن سینمای ایران از شهریور ۹۵ با فوت داود رشیدی آغاز شد؛ هنوز دو سال نگذشته بود که عزت‌ا... انتظامی هم دار فانی را وداع گفت و کمتر از هشت ماه بعد، جمشید مشایخی هم به دیدار حق شتافت. حالا و در حالی که از آخرین داغ این پنج نفر کمی بیشتر از یک سال گذشته، خبر درگذشت محمدعلی کشاورز یادآور این است که از پنج چهره اصلی حلقه اول هنرپیشگی در ایران، چهار نفرشان دیگر در میان ما نیستند و سینما باید نبودنشان را باور کند.

طرح: جلال حاجی زاده شهرآرا



تاریخی و کلاسیک جافتاده و قدرتمند ظاهر شده بود، همکاری با بازیگران نسل بعد و فیلم‌سازان دیگر را نیز در دستور کار قرار داد و به همراه عزت‌ا... انتظامی به پروژه «ناصرالدین شاه آکتور، سینما» پیوست. این فیلم از جهات مختلف برای سینمای ایران حائز اهمیت بود و اگرچه به اثری جاودانه تبدیل نشد، اما اتفاقی فرخنده برای کارنامه کشاورز بود. سال‌های ابتدایی دهه هفتاد ایام اکران سه فیلم مهم دیگر از محمدعلی کشاورز بود. او یک بار دیگر جلوی دوربین علی حاتمی رفت و در «دلشدگان» نقش آفرینی کرد. دو سال بعد به ایفای نقش در «زیر درختان زیتون» عباس کیارستمی پرداخت و در سال ۷۳ فیلم ماندگار «روز واقعه» به کارگردانی شهرام اسدی، با فیلم‌نامه‌ای از بهرام بیضایی، را کار کرد. این دوران اما، به مرور نشانه‌های تغییر نسل بازیگران را منعکس می‌کردند و بالطبع مرد موسی‌پدر کرده بازیگری، زودتر از هر کس دیگری، فهمید که بهتر است فرصت را در اختیار جوان‌ترها قرار دهد.

● دهه هفتاد و کم‌کاری کشاورز

به این ترتیب بود که هرچه دهه هفتاد رو به پایان می‌رفت، محمدعلی کشاورز هم کم‌کارت‌تر می‌شد و با آغاز دهه هشتاد، تقریباً بازیگری را کنار گذاشت. آخرین نقش آفرینی او که ظاهراً یاد هم بلند نیست، به فیلم اکران نشده و پرخاشیه «فرزند صبح» ساخته بهروز افخمی اختصاص داشته که با توجه به فوت استاد کشاورز، می‌تواند آخرین نمایش هنریشان بر روی پرده نقره‌ای لقب گیرد. تاریخ هنرهای نمایشی در ایران هیچ‌وقت کسانی را که بدون چشمداشت و با تحمل سختی‌های فراوان، برای این هنر از جان مایه گذاشته‌اند، فراموش نخواهد کرد. طبیعتاً نام محمدعلی کشاورز هم تا باید در میان علاقه‌مندان سینما، تلویزیون و تئاتر به نیکی بر زبان‌ها جاری خواهد شد.

● از تلویزیون تا سینما

کارنامه هنری محمدعلی کشاورز او را در تلویزیون هنرمندی منعطف جلوه می‌دهد که برای ارتباط برقرار کردن با مخاطب تلاش می‌کند. این در حالی است که همین بازیگر در سینما خیلی مواقع به یک چهره کاملاً هنری و پایبند به قواعد سینمایی تبدیل می‌شد و هدف اصلی خود را جلب اقبال عمومی مخاطبان قرار نمی‌داد. دوره اول بازیگری کشاورز در سینما با ایفای نقش در آثار مهمی همچون «خشت و آینه» ابراهیم گلستان، «آقای هالو» ساخته داریوش مهرجویی و «شطرنج باد» محمدرضا اصلانی را شامل می‌شد که آثاری کاملاً متمایز با مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های عوام‌پسند زمان خود بودند.

دومین دوره بازیگری محمدعلی کشاورز اما پس از نخستین همکاری او با علی حاتمی و جافتادن در نقش‌های کلاسیک آغاز شد که عموماً در همکاری‌های مستمر با چهار نفر دیگر از پنج‌ضلعی تاریخ‌ساز بازیگری در سینمای ایران شکل گرفت. در اوایل دهه شصت بود که ایفای نقش اتابک اعظم در «کمال‌الملک»، به عنوان فیلمی که از بازی هر پنج هنرمند مورد بحث بهره می‌برد، به یکی از درخشان‌ترین برگه‌های کارنامه بازیگری محمدعلی کشاورز تبدیل شد. او دو سال بعد، همراه با علی نصیریان، به پروژه «کفش‌های میرزا نوروز» که در همان شمایل تاریخی ساخته شده بود، پیوست و بازی استانداردها در نقش حاکم در آن زمان تحسین شد. دومین همکاری سینمایی کشاورز و علی حاتمی، احتمالاً بهترین بازی او در تمام این سال‌هاست؛ جایی که در نقش محمدابراهیم فیلم جاودانه «مادر» نقش خود را در خاطره‌ها تثبیت کرد و نامزد سیمرخ بهترین بازیگر مرد هم شد. با گذر زمان، کشاورز که حسابی در نقش‌های

به «دایی جان ناپلئون» ناصر تقوایی در نقش دایی جان سرهنگ (برادر دایی ناپلئون)، ایفای نقش خوابگذار اعظم در «سلطان و شبان» و خواجه قشیری وزیر در «سربداران» اشاره کرد. مهم‌ترین بازی‌هایش در تلویزیون، بدون تردید دو نقش متفاوت اوست. که یکی در «هزاردستان» علی حاتمی و دیگری بازی در مجموعه پرهودار «پدرسالار» ساخته علی‌خواجهی است. اولی یک نقش جدی و خشن بی‌محابا بود که با انتخاب شجاعانه علی حاتمی به کشاورز سپرده شد و همراه

یکی از مهم‌ترین خصایص محمدعلی کشاورز که او را به چهره‌ای ماندگار در تاریخ هنرهای نمایشی ایران تبدیل کرد، انعطاف‌پذیری او در بازیگری بود. کشاورز در اجرای نقش‌های گوناگون آثاری با ژانرهای مختلف متبحر بود

نمی‌کرد و زمانی که ستاره سینما بود، از بازیگری در تلویزیون نیز استقبال می‌کرد. همین منعطف بودن که به وضوح حاصل تسلط کشاورز بود، باعث شده بود، برخلاف ارتباط بسیار خوبش با علی حاتمی، بازیگری‌اش به چند کارگردان خاص محدود نشود و کارنامه او مملو از همکاری با فیلم‌سازان مختلف با طرز فکرهای گوناگون باشد. او در تلویزیون برای کارگردان‌هایی همچون ناصر تقوایی، داریوش فرهنگ، داود میرباقری، حسن فتحی، کیانوش عیاری و جواد شمقدری مقابل دوربین رفت؛ حال آنکه در عرصه سینما نیز همکاری با فیلم‌سازان بزرگی همچون بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی، علی حاتمی، ایرج قادری، محمد متوسلانی، رسول ملاقلی‌پور و عباس کیارستمی را تجربه کرد.

● راز ماندگاری

نکته دیگری که توجه به آن در بررسی کارنامه محمدعلی کشاورز اهمیت دارد، به دوره تاریخی بودن شرایط روزگار جوانی او و هم‌نسلانش مربوط است. از عده قلیلی جوان مشتاق هنر سخن می‌گوییم که بسترهای هنر‌نمایی در دهه‌های سی و چهل ابدار ایشان فراهم نبود و امکانات فنی و اقبال عمومی به هنرهای نمایشی را در آن روزگار نمی‌توان با امروز مقایسه کرد. کشاورز و دوستانش اما، از این منظر در تاریخ سینما و تئاتر و تلویزیون ماندگار شدند که با مشقت‌های فراوان و تحمل مرارتی که احتمالاً تصورش هم برای نسل امروز دشوار است، بدون اینکه دستمزدهای آنچنانی به جیب بزنند، هنرهای نمایشی را سرپا نگه داشتند. کشاورز سریال‌سازی تلویزیونی را از سال ۴۷ با کارگردانی بخش‌هایی از مجموعه «خانه قمر خانم» آغاز کرد و پس از دومین تجربه کارگردانی سریال در سال ۵۴ با مجموعه «آلاخون و آلاخون»، برای همیشه سریال ساختن را ترک کرد و تمرکزش را روی بازیگری گذاشت. از مهم‌ترین نقش‌های کشاورز در سریال‌های تلویزیونی باید

● آغاز راه با هنرهای نمایشی

محمدعلی کشاورز در سال ۱۳۰۹ در استان اصفهان متولد شد و به مرور علاقه اصلی خود به هنرپیشگی را کشف کرد. بدین ترتیب به تحصیل در سینما روی آورد و هم‌دوره مرحوم علی حاتمی شد. هنوز بیست سال نداشت که کارش را با تئاتر آغاز کرد و در اواخر دهه بیست خورشیدی، با تئاتر‌هایی همچون «ویولون‌ساز کره‌مونا»، «هیاهوی بسیار برای هیچ» و تله‌تئاتر «خودکشی» (به کارگردانی علی نصیریان) به طور جدی پای به عرصه بازیگری گذاشت. کشاورز در این بازه زمانی حدوداً هفتاد ساله، بازیگری دهه‌ها تئاتر را تجربه کرد که برخی از آن‌ها ماندگار شده‌اند اما مرور کلی کارنامه او نشان می‌دهد که تئاتر بیشتر به منزله پلی برای ورود کشاورز به سینما و تلویزیون واقع شد.

به موازات تئاتر و با کمی تأخیر، کشاورز فعالیت در سینما را هم با فیلم «شب قوزی» فرخ غفاری در سال ۴۳ با نقش یک آرایشگر آغاز کرد و طی سال‌های طولانی فعالیت سینمایی خود در نزدیک به پنجاه فیلم سینمایی به ایفای نقش‌های رنگارنگ پرداخت. هنر بدون مرز محمدعلی کشاورز به عرصه تلویزیون هم کشیده شد و جدای از حدود بیست تله‌تئاتر مختلفی که عموماً در سال‌های ابتدایی ورودش به تلویزیون بازی کرد، با ایفای نقش در بیش از سی سریال تلویزیونی، چهره‌اش در یاد مردم ایران ماندگار شد.

یکی از مهم‌ترین خصایص محمدعلی کشاورز که او را به چهره‌ای ماندگار در تاریخ هنرهای نمایشی ایران تبدیل کرد، انعطاف‌پذیری او در بازیگری بود. کشاورز در اجرای نقش‌های گوناگون آثاری با ژانرهای مختلف متبحر نشان می‌داد و در آثار طنز، فیلم‌ها و سریال‌های اجتماعی روز و بازی در نقش‌های تاریخی، درخشان ظاهر می‌شد. او خودش را به مدیوم خاصی محدود